

ماهیت اقدامات تأمینی و تربیتی از نظر فقهی و حقوقی

دکتر فهیمه ملک‌زاده*

چکیده

اقدامات تأمینی و تربیتی عبارتند از یک رشته وسایل دفاع اجتماعی که به حکم قانون، توسط قاضی و بر اثر وقوع جرم، متناسب با وضع مزاجی، استعداد، منش و سوابق فرد خاطی و خطرناک به کار برده می‌شود تا وی بهبود یافته و با اجتماع سازگار گردد و دست به ارتکاب جرم نزند.

به عبارتی اقدامات تأمینی و تربیتی واکنشی است مبنی بر حمایت پیشگیرانه و نیز به وسایل و تدابیری اطلاق می‌شود که در مورد افراد خطرناک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در مورد ماهیت آن می‌توان گفت اقدامات تأمینی و تربیتی به عنوان ابزار مهم و مؤثر نظام کیفری، در عین اینکه واجد صفات قضایی است اما گاهی به عنوان یک عامل پیشگیری از جرم به کار برده می‌شود.

با بررسی موضوعات مورد بحث در اقدامات تأمینی و تربیتی و تطبیق آن با فقه و حقوق می‌توان به این نتیجه رسید که، آنچه حقوق دانان و جرم‌شناسان در باب اهداف عمده اقدامات تأمینی و تربیتی بیان می‌کنند، اگرچه با اصلاح و تربیتی که مطلوب قرآن و سنت است عیناً تطبیق نمی‌کند اما خارج از اهداف آن هم نیست و در واقع قسمتی از منویات اسلام بدین طریق بیان شده است. در این مقاله سعی بر آن است که ماهیت اقدامات تأمینی و تربیتی با رویکرد فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

اقدامات تأمینی و تربیتی، مجرمین خطرناک، تعلیق مجازات، آزادی مشروط، تعزیر، مجازات بازدارنده.



* عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

مقدمه

بدیهی است یکی از نگرانی‌های مهم جامعه افزایش جرایم و تبهکاری‌ها، و به خطر افتادن امنیت و آسایش مردم است و با عنایت به نارسایی قوانین و مقررات جزایی در پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و تربیت مجرمین، به رغم شدت و حدت مجازات‌ها و تورم شدید قوانین کیفری، نشان دادن جایگاه اقدامات تأمینی و تربیتی و جلب نظر علما و دانشمندان و دست‌اندرکاران حیطة تقنین و قضاوت به این نهاد حقوقی، ضرورتی است که با کمی تأمل هر صاحب نظری بدان پی‌خواهد برد؛ واضح است که اقدامات تأمینی و تربیتی، مانند مجازات‌ها، معمولاً مبتنی بر قانون است ولی در عین حال، در بیشتر موارد مدت اقدامات تأمینی و تربیتی تا زمانی است که حالت خطرناک فرد باقی باشد، مثلاً بزهکار معتاد که تا ترک اعتیاد، و یا پیدا کردن شغل و کار مناسب برای ولگردان به شرط داشتن مراکز نگهداری ولگردان و ... اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به تمامی افراد یکسان نبوده و برحسب شخصیت و مشکل افراد متغیر است و همچنین با رفع تدریجی حالت خطرناک نسبت مستقیم دارد و لذا در هر زمان قابل تجدیدنظر است در حالی که مجازات‌های قطعی اصولاً لازم‌الاجراست.

هدف اصلی از تأمین کیفرها، مبارزه علیه بزهکاری، حفظ نظم و امنیت در جامعه است. اعمال کیفر یا مجازات در تاریخ سابقه‌ای طولانی دارد؛ زیرا ابتدایی‌ترین جوامع نیز بدون داشتن حداقل ضوابط حقوقی قادر به ادامه حیات نبوده است.

اقدامات تأمینی و تربیتی به عنوان وسایل دفاع اجتماعی در مقابل ارتکاب جرم در آینده مورد توجه قرار گرفته و اهداف مهمی را دنبال می‌کند از جمله:

حمایت افراد از طریق اقدامات و ایجاد امکاناتی که نیازهای مردم را در زمینه‌های مادی و معنوی در مقابل ارتکاب جرایم و عواقب آن تأمین و از جذب اشخاص به سوی ارتکاب جرم پیشگیری نماید. همچنین حفظ جامعه از تجاوز و تعدی، تکرار و درمانی با توجه به بروز حالت خطرناک در متهمین احتمالی و نیز اقدامات لازم برای پیشگیری و از همه مهم‌تر اصلاح بزهکار و آماده ساختن وی برای زندگی مجدد در جامعه.

در این مقاله این مسائل طرح و در مواردی به فتوای مجتهدین معاصر استناد شده است.

تعریف اقدامات تأمینی

این نهاد حقوقی که ابتدا از نظام حقوقی فرانسه، وارد نظام حقوقی و قضایی کشور ما شده است ترجمه اصطلاح فرانسوی «Les mesures de surete» بوده که به معنی «تدابیر تأمینی» یا «اقدامات تأمینی» است.

برخی از تعاریفی که برای این اصطلاح ذکر شده از این قرارند:

۱- «اقدامات تأمینی عبارت است از یک رشته وسایل دفاع اجتماعی که به حکم قانون و توسط

قاضی و بر اثر وقوع جرم، متناسب با وضع مزاجی و استعداد و منش و سوابق فرد خاطی و خطرناک به کار برده می‌شود تا او بهبود یابد و با اجتماع سازگار گردد و دست به تکرار جرم نزند.» (کی‌نیا، ج ۱، ص ۱۶۵۲، ص ۶۹)

۲- «اقدامات تأمینی عبارتند از یک عده تدابیر قانونی بدون اینکه اثر مسئولیت اخلاقی و معنوی داشته باشند، دارای قوه الزام و اجبار بوده و در مورد افراد خطرناک به موقع اجرا گذاشته می‌شوند تا از ارتکاب احتمالی جرایم برای حفظ نظم عمومی جامعه جلوگیری شود.» (ایمن، ص ۱۲۴، س ۱۳۴۳)

۳- «اقدامات تأمینی واکنشی است مبنی بر حمایت پیشگیرانه که یکی از دو شکل واکنش اجتماعی علیه جرم محسوب می‌گردد. این واکنش حمایتی پیشگیرانه متضمن درمان و اصلاح مجرمی است (چه مسئول و چه غیرمسئول) که در حالت خطرناک، یعنی حالتی که احتمال ارتکاب جرایم را توسط او جدی می‌نماید، به سر می‌برد.» (بولک، ص ۷۳، س ۱۳۷۲)

امروزه حقوقدانان کتب حقوق جزا در تعریف اقدامات تأمینی، اصطلاح «اقدامات تربیتی» را نیز همراه آن به کار می‌برند (صانعی، ج ۲، ص ۳۶۹، س ۱۳۷۴) و در هر صورت اقدامات تأمینی و تربیتی شامل دو جنبه اصلی و مهم می‌باشد: یکی جنبه تأمینی آنکه بعضی اقدامات صرفاً ناظر به این جنبه است و دیگری جنبه تربیتی و اصلاحی آن که برخی از آنها هم شامل هر دو جنبه می‌باشد. قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی را چنین تعریف کرده است: «اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه و جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند» (قانون اقدامات تأمینی (مصوب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۹)، ماده ۱) و در ذیل ماده پس از تعریف مجرمین خطرناک آمده است: «صدور حکم اقدام تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد.»

تعاریفی که نویسندگان و صاحب‌نظران حقوق جزا ارائه داده‌اند گرچه در محتوا تفاوت چندانی با تعریف قانون‌گذار ندارد، اما توجه بعضی از آنان به جنبه‌های اصلاحی و تربیتی این اقدامات و نیز فقدان سائبه اخلاقی، از نکات قابل توجه و بارز تعاریف آنان است. (برای نمونه ر.ک: صدارت، ص ۱ و ۲۸۸؛ تاج زمان دانش، ص ۱۱۳؛ نوربها، ص ۳۳۸؛ ژرژ پیکا، ص ۳۳؛ امینی، ص ۹؛ جاوید صلاحی، ص ۴۹ و ۱۶۱؛ رئوف عبید، ص ۷۷۵ و علی محمد جعفر، ص ۵۹)

با توجه به تعریفی که قانون‌گذار از اقدامات تأمینی ارائه کرده است می‌توان چنین نتیجه گرفت: اولاً: اقدامات تأمینی جنبه پیشگیری و بازدارنده داشته و ناظر به آینده می‌باشند. ثانیاً: طبق تصریح این قانون، اقدامات تأمینی فقط در مورد مجرمین خطرناک به کار می‌روند و قانون به جای افراد و اشخاص خطرناک به مجرمین خطرناک توجه کرده است.

ثالثاً: اقدامات مذکور در مورد صورتی قابل اعمال است که شخص موردنظر قبلاً مرتکب جرمی شده و احتمال تکرار جرم وجود داشته باشد والا در مورد کسی که قبلاً مرتکب جرم نشده باشد، هر چند

احتمال ارتکاب و تکرار جرم هم وجود داشته باشد، طبق ظاهر قانون نمی‌توان در حق او این اقدامات را اعمال کرد.

رایعاً اقدامات تأمینی هم در مورد اشخاص مسئول اجرا می‌شود و هم در مورد افراد غیرمسئول؛ به عبارت دیگر، وجود عوامل رافع مسئولیت کیفری مانع از اعمال اقدامات تأمینی نیست. خامساً: جرایم ارتكابی برای مجرمین خطرناک اعم از عمدی و غیرعمدی است و قانون از این جهت اطلاق دارد.

البته ما در مباحث بعدی به تفصیل در مورد شرایط قانونی اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی سخن خواهیم گفت.

با توجه به تعاریف مختلفی که بیان شد، خصوصاً تعریفی که قانون‌گذار ارائه کرده است، می‌توان به طور خلاصه اقدامات تأمینی و تربیتی را چنین تعریف کرد:

اقدامات تأمینی و تربیتی عبارت است از یک سلسله تدابیر و راه کارهایی که جهت پیشگیری از وقوع جرم توسط مجرمین خطرناک و اصلاح و تربیت بزهکاران به حکم قانون و از سوی محاکم قضایی اعمال می‌گردد.

بدین ترتیب اقدامات تأمینی و تربیتی از اقدامات پیش‌گیرانه بهداشتی و درمانی و تربیتی متمایز می‌گردد، گرچه در مورد این نوع اقدامات نیز جنبه اصلاحی و درمانی و پیشگیری مطرح است. (کی‌نیا، ج ۱، ص ۱۶۵۱، س ۱۳۶۹)، اما به موجب حکم مراجع قضایی نبوده و سابقه ارتکاب جرم در این نوع اقدامات شرط نیست و نیز مسئله پیشگیری از فعالیت جنایی در آنها مطرح نمی‌باشد. (نویسندگان عرب اقدامات تأمینی و تربیتی را تحت عنوان «التدابیر الاحترازیه» در کتب خود مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند و تعاریفی که از این تدابیر ارائه کرده‌اند چندان تفاوتی با نویسندگان کتب حقوقی کشور ما ندارد. برای نمونه، ر.ک: محمد زکی ابوعامر، قانون العقوبات، و محمد کمال الدین، المسؤولیه الجزائیه، ص ۱۵۱ به نقل از رهامی، ص ۲۶، س ۱۳۸۱)

به همین دلیل اقدامات تأمینی و تربیتی از خدمات مددکاران اجتماعی که در جهت اصلاح افراد و رسیدگی به خانواده آنها می‌باشد نیز متمایز خواهد بود، گرچه از بعضی جهات دارای وجوه اشتراک می‌باشند.

اقدامات تأمینی و تربیتی با قرارهای تأمینی که از سوی مراجع قضایی به عنوان تأمین اموال و مانند آن صادر می‌شود نیز متفاوت است و این اقدامات گرچه از سوی دادگاه‌ها و به موجب قانون صورت می‌گیرد، مسئله مجرمین خطرناک و جلوگیری از خطر ارتکاب جرم بعدی در این قرارها ملاک نیست (جعفر لنگرودی، ص ۱۳۳، س ۲۴)

ماهیت حقوقی اقدامات تأمینی و تربیتی

اقدامات تأمینی و تربیتی پیش از آنکه یک «مجازات»، «تنبیه» یا «سزای» اعمال گذشته باشد، یک



«راه‌حل»، «تدبیر» و «چاره‌اندیشی» برای آینده است (صناعی، ج ۲، ص ۱۸۸، س ۱۳۷۱). به تعبیر برخی از صاحب‌نظران حقوق جزا «جامعه باید در برابر اعمالی که به مصلحت اجتماع لطمه می‌زند از خود دفاع کند و هیأت حاکمه تدابیر لازم را باید بر این اساس اتخاذ نماید تا اولاً افراد از این‌گونه اعمال بازداشته شوند، ثانیاً مجرمین به تکرار جرم مبادرت نکنند، بنابراین لازم است اولین طرح اتخاذ یک سیاست جنایی مؤثر باشد. پیشگیری از وقوع جرایم به طرق مختلف محقق می‌شود، یکی از مؤثرترین وسائل این امر، تدابیر کلی ایمنی اجتماعی است که با سالم‌سازی محیط و از بین بردن عوامل جرم‌زا و چشمه‌های زاینده جرم حاصل می‌شود. برای این منظور لازم است که با یک برنامه‌ریزی کلی سیاسی و اجتماعی، خانواده‌ها را در شرایطی قرار داد که از اختلالات روانی و ضعف قوای عصبی بکاهد. راه مؤثر دیگر اقدامات بازدارنده فردی است، بدین‌صورت که، اشخاصی را که «خطرناک» تشخیص داده می‌شوند مانند مجرمین به عادت و دیوانگان، «اقدامات تأمینی» مناسبی را هیأت حاکمه وضع کند که تحت شرایط خاصی قرار گیرند و آموزش‌های لازم را در مورد آنها اعمال نماید.

اقدامات تأمینی و تربیتی در واقع شبیه تدابیری است که والدین جهت اصلاح و تربیت فرزندان خود و پیشگیری از اینکه اولاد آنها در آینده خلافکار و منحرف شوند، اتخاذ می‌کنند که ماهیت اصلی این تدابیر جنبه اصلاح و تربیت داشته و از انگیزه انتقام‌جویی و مجازات به دور است، یا شبیه اقداماتی است که پزشکان متخصص یک بیمارستان جهت معالجه و بهبودی مریض‌ها به کار می‌بندند. در اقدامات تأمینی و تربیتی، پیشگیری از وقوع جرایم یا تکرار آنها به سه طریق زیر ممکن است صورت گیرد که اجمالاً به بیان هر یک می‌پردازیم:

الف) پیشگیری از طریق اصلاح و تربیت.

ب) پیشگیری از طریق معالجه و درمان.

ج) پیشگیری از طریق خنثی‌سازی و نظارت.

الف) پیشگیری از طریق اصلاح و تربیت

یکی از مناسب‌ترین شیوه‌هایی که در اقدامات تأمینی و تربیتی برای جلوگیری از وقوع جرایم و تکرار آنها پیش‌بینی شده است، شیوه اصلاح و بازپروری افرادی است که دارای حالت خطرناک^۱ می‌باشند چرا که تا زمانی که این حالت در شخصی وجود داشته باشد، احتمال ارتکاب جرم از طرف او وجود دارد. بنابراین تربیت و بازپروری روحی چنین فردی، تنها طریق پیشگیری از ارتکاب جرم توسط اوست. مراکز هم‌چون کانون اصلاح و تربیت، برای اطفال بزه‌کار، با تنظیم برنامه‌های تربیتی و بازآموزی و فراهم ساختن محیط مناسب جهت تحصیل و تربیت نوجوانان می‌تواند اهداف قانون‌گذار را در وضع

۱. معیار «حالت خطرناک» در این قانون عبارت است از «تحریک مردم شهرها و دهات به ضدیت با یکدیگر به نحوی که موجبات سلب آسایش و اخلال در نظم و آرامش را عملاً فراهم سازد» و همچنین «وادار کردن کشاورزان به تمرد و خودداری از دادن بهره یا امتناع از عمل کشت یا جلوگیری از ورود مالک به ملک یا به قسمتی که مانع انجام وظایف مأمورین دولت باشد.»



قوانین مربوط به پیشگیری از وقوع جرایم فراهم سازد. (مواد ۲۲ و ۲۳ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ و مواد ۲ و ۳ لایحه قانونی اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ و ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰) همچنین اخذ تعهد از اولیای اطفال بزهکار مبنی بر تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل (بند اول ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار) نیز در زمره روش‌های مفید در این زمینه است.

در مورد اشخاصی که به لحاظ ولگردی و تندی خطرناک تشخیص داده می‌شوند و مجرمین به عادت هم، ایجاد کارگاه‌های کشاورزی و صنعتی و غیره و آموزش شغل مناسب، به تدریج زمینه تنبلی و عاطل و باطل ماندن و زندگی طفیلی داشتن را از بین برده و شخص را برای یک زندگی شرافتمندانه و تأمین معاش از طریق کسب و کار مفید آماده می‌سازد. البته اصل قانونی بودن اقدامات تأمینی و عدم امکان اعمال این تدابیر قبل از وقوع جرم، مانع می‌شود که روش‌های اصلاحی و بازپروری مذکور در قوانین یاد شده را در مورد کسانی که دارای حالت خطرناک بوده اما هنوز جرمی مرتکب نشده‌اند اعمال نمود. با این که اصلاح و تربیت اشخاص مستعد برای ارتکاب جرم، اختصاصی به «مجرمین خطرناک» ندارد، اما به عنوان اقدام تأمینی و با ابزارهای قانونی آن، فقط همین دسته از دارندگان «حالت خطرناک» قابل اصلاح و تربیت و بازپروری است. (صانعی، ص ۱۸۹ و ۲۹۷ و ۳۰۵، ص ۷۱)

در مورد «تعلیق مجازات» و «آزادی مشروط» که در واقع هر دو نوعی اقدام تأمینی و تربیتی به معنی اعم کلمه است، پیشگیری از تکرار جرم از طریق اصلاح و تربیت مجرم کاملاً مورد توجه قرار گرفته است (پیمانی، ص ۳۸ و ۴۲، س ۸۱) و از جمله دستورهایی که دادگاه می‌تواند اجرای آن‌ها را از محکوم علیه در مدت تعلیق مجازات بخواهد عبارت است از: «اشتغال به تحصیل در یک مؤسسه فرهنگی، خودداری از تجاهر به ارتکاب مجرمات و ترک واجبات یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می‌دهد، خودداری از رفت و آمد به محل‌های معین» (قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)، ماده ۲۹، بندهای ۳، ۴ و ۵). همچنین یکی از شرایط استفاده از آزادی مشروط برای مجرم عبارت است از: «هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد.» (همان، ماده ۳۸، بند ۱)

بدین ترتیب در دو نهاد حقوقی اخیر، در واقع هم از طریق دور نگه داشتن مجرم از زندان و پیشگیری از آثار سوء آن و اخلاق و رفتار زندانیان بر وی، از انحراف و فساد اخلاقی بیشتر جلوگیری می‌شود، و هم با اخذ تعهدات لازم و فراهم ساختن زمینه‌های اصلاح و تربیت، در بازپروری و بازسازی روحی و اخلاقی او اقدام می‌گردد؛ خصوصاً که ضمانت اجرای این روش تربیتی، نگرانی محکوم علیه از رفتن به زندان و از دست دادن آزادی، یعنی اجرای حکم مجازات می‌باشد. به عبارت دیگر، تهدید به اجرای مجازات مؤثرتر در اصلاح و تربیت او خواهد بود تا اجرای مجازات. (برای توضیح بیشتر ر.ک: دکتر صانعی، همان، ص ۲۹۵ و ۱۹۰، و نوربها، همان، ص ۵۱۱ و باهری، (تقریرات)، ص ۳۶۸، و دانش،

همان، ص ۱۱۸. و صدارت، همان، ص ۳۵۳، س ۸۴)

ب) پیشگیری از طریق معالجه و درمان

روش دیگر پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرمین خطرناک، معالجه و درمان آنهاست. با عنایت به اینکه یکی از مؤلفه‌های حالت خطرناک، وجود امراض روحی و روانی و بعضاً جسمانی است، از جمله در مورد مجانین و افراد مختل‌المشاعر که به علت نداشتن قوه تمیز و عدم کنترل اعمال و رفتار خود مرتکب جرم شده‌اند، همچنین معتادین به موادمخدر و الکل که به دلیل اعتیاد، پس از اجرای مجازات هم به احتمال زیاد به مصرف این مواد روی خواهند آورد، باید به معالجه و درمان روانی و جسمانی آنها اقدام کرد و تا زمان بهبودی کامل روانی در مجانین و افراد مختل‌المشاعر و ترک اعتیاد در مورد معتادین به استعمال موادمخدر و مشروبات، الکی رها ساختن آنها به مصلحت اجتماع نبوده و زمینه وقوع جرایم بعدی را فراهم خواهد ساخت. (رهامی، ص ۱۱۰، س ۱۳۸۱)

در ماده ۴ لایحه قانونی اقدامات تأمینی سابق (مصوب ۱۳۳۹) دادگاه موظف شده است در صورتی که مجرمین مجنون و یا مختل‌المشاعر محل نظم و امنیت عمومی بوده و دارای حالت خطرناک باشند و دادگاه تشخیص دهد که برای جلوگیری از تکرار جرم نگهداری یا معالجه آنها در بیمارستان روانی مجرمین لازم است، حکم به نگهداری یا معالجه او در این نوع مراکز را بدهد.

ج) پیشگیری از طریق خنثی‌سازی و نظارت

طریقه سوم پیشگیری از تکرار جرایم در اقدامات تأمینی، خنثی کردن زمینه وقوع جرم و یا نظارت است. در بعضی موارد، صرف وجود یک شخص در یک محل یا شهر به دلایل مختلف خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...، زمینه تکرار جرم را فراهم می‌سازد، در این صورت باید برای پیشگیری از تکرار جرم وی را ممنوع از اقامت در آن محل یا شهر نمود. افرادی که حالت سردستگی چند نفر را در ارتکاب جرایم دارند و به دلیل نفوذ اجتماعی، سیاسی و ... اشخاص دیگر تحت تأثیر وی در ارتکاب جرایم قرار می‌گیرند و یا با تشویق و تحریک مردم، بدون این که خود مستقیماً وارد صحنه جرم شوند، زمینه ارتکاب جرم را از ناحیه دیگران فراهم می‌سازند، به صرف مجازات، مثلاً زندان یا شلاق و جریمه مالی، نه تنها ممکن است از اعمال خود دست بر ندارند، بلکه چه بسا، اعمال مجازات موجب جری‌تر شدن آنها نیز گردد. در این صورت جدا ساختن آنها از سایرین و مجبور ساختن به اقامت در منطقه دور دست راه مناسبی جهت ایجاد نظم و آرامش و جلوگیری از تکرار جرم است.

نظارت بر اعمال و رفتار مجرم خطرناک نیز طریق دیگری است در جلوگیری از تکرار جرم که در اقدامات تأمینی و تربیتی می‌توان مصادیقی از آن را پیدا نمود (سمیر، ص ۴۵۰، س ۱۹۶۱)؛ از قبیل آنچه در ماده ۶ لایحه قانونی اقدامات تأمینی آمده است: «دادگاه حق دارد در موقع صدور حکم آزادی



مشروط بعضی تزییقات و یا کار در نزد کارفرمای معینی و غیره برای او قائل شود.» یا آنچه در بند ۶ ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «معرفی خود در مدت‌های معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می‌کند». همچنین انتشار حکم در واقع موجب نوعی نظارت عمومی بر افعال و رفتار محکوم علیه خواهد بود، و در عین حال سبب می‌شود مردم از تماس با چنین مجرمی خوداری کنند.

ماهیت فقهی اقدامات تأمینی و تربیتی از نظر قرآن

قرآن مجید کتابی است که برای تربیت نفوس بشری و هدایت آنان نازل شده است تا مردم را از تاریکی‌های جهل و نادانی و گمراهی به سوی نور هدایت کند^۱ و چیزی از نیازمندی‌های انسان نیست مگر اینکه حکم آن، تفصیلاً یا اجمالاً در آن آمده است^۲ و نزول آن سبب رحمت و خیر و برکت برای بشریت بوده^۳ و درمان آلام انسان‌ها می‌باشد.^۴

قسمت اعظم آیات این کتاب مقدس پیرامون مباحث شناخت مبدأ و معاد و نبوت و بیان تاریخ نهضت‌های انبیا علیهم السلام و سایر مسائل اعتقادی و اخلاقی است؛ به طوری که از مجموع بیش از شش هزار آیه حدود پانصد آیه یعنی چیزی در حدود ۱/۱۲ آیات قرآن مجید مربوط به آیات الاحکام است که تعداد آیات مرتبط با احکام جزایی در این میان بسیار محدود است، بنابراین نباید انتظار داشت که در این کتاب آسمانی به طور مفصل مباحثی پیرامون اقدامات تأمینی و تربیتی پیدا کرد. لیکن از یک طرف اصولاً همه آیات قرآن جنبه تربیتی و اصلاحی و انسان‌سازی دارد و در واقع قرآن مجید علاج واقعه را قبل از وقوع آن می‌کند، از جمله در تشریح نماز که مستقیماً به پیشگیری از جرم مربوط نیست، توجه به این امر دارد که نماز انسان را از ارتکاب عمل زشت و خلاف شرع باز می‌دارد^۵ و از طرف دیگر مجازات‌های ذکر شده در قرآن مجید خود جنبه تأمینی دارند؛ مثلاً وقتی به قطع دست سارق دستور می‌دهد، طبیعی است امکان ارتکاب سرقت به وسیله او کم می‌شود اما اینها از مصادیق مجازات‌هاست نه اقدامات تأمینی؛ و تربیتی، در عین حال می‌توان به آیاتی از قرآن در ارتباط با اقدامات تأمینی و تربیتی استدلال کرد و یا دست‌کم از عمومات بعضی از آیات در جهت مشروعیت تدابیر تأمینی به طور ضمنی استفاده کرد که در این مقاله مختصراً هر دو مورد را توضیح می‌دهیم.

الف) آیاتی از قرآن مجید در ارتباط به اقدامات تأمینی و تربیتی

۱- آیه امساک

یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی نگهداری مجرمین در محل مخصوص است تا بدین‌وسیله



۱. «الر کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی نور باذن ربهم الی صراط العزیز الحمید» سوره ابراهیم، آیه ۱

۲. «... و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین» سوره انعام، آیه ۵۹

۳. «و نزلنا علیک الکتاب تبییناً لکل شیء و هدی و رحمه و بشری للمسلمین» سوره نحل، آیه ۸۹

۴. «و استشفوا بنوره فانه شفاء الصدور» نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰

۵. «واقم الصلاه ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر» سوره عنکبوت، آیه ۴۵

ضمن اصلاح و تربیت او، از شیوع فساد در بین مردم پیشگیری شود. در قرآن مجید در ارتباط با زانی که مرتکب عمل زشت زنا می‌شوند، چنین دستوری آمده است: «و اللاتی یأتین الفاحشه من نساتکم فاستشهدوا علیهن اربعه منکم، فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفیهن الموت او یجعل الله لهن سبیلاً» یعنی آن زانی که از جهت متابعت هوای نفس خود بیایند به خصلت قبیحه که زناست، یعنی زانی که مرتکب زنا شوند، از زنان شما، که مراد محصناتند یعنی شوهردارانی که به زنا اقدام می‌نمایند، پس طلب گواه کنید بر ایشان، یعنی بر فعل زشت آنان چهار مرد بالغ از خودتان که مؤمنانید، تا برایشان گواهی دهند، پس اگر این چهار مرد به زناى ایشان گواهی دادند، پس آن زنان را در خانه نگه دارید، تا وقتی که متوفی سازد ایشان را ملک‌الموت، یا خداوند، راهی برایشان قرار دهد که از حبس خلاصی یابند. در مورد این آیه (ترجمه آیه به تلخیص از: کاشانی، ج ۲، ص ۴۵۷، س ۱۳۴۷) اکثر کتب تفسیر مانند «کنز العرفان» (جمال‌الدین بن مقداد سیوری، کنز العرفان فی تفسیر القرآن، ص ۳۳۸، س ۱۳۴۸) «منهج الصادقین» (ملا فتح اله کاشانی، همان، ص ۴۵۷) «مجمع البیان» (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۲، س ۱۹۸۸) «المیزان» (سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۴۹، و ر.ک. به: قطب‌الدین راوندی، فقه القرآن، ص ۳۶۷، و ابوالفتح حسین جرجانی، تفسیر شاهی، ص ۶۵۲) نوشته‌اند که مقصود از «فاحشه» همان عمل زشت زناست، منظور از «امساک» نگاه داشتن و بازداشتن زنان زناکار در خانه‌هاست، به منظور اینکه هم خود بیشتر آلوده نشوند و هم افراد جامعه از آلوده شدن به وسیله این زنان مصون بمانند، اکثر علمای اهل سنت نیز، همین نظر را داده‌اند. (ر.ک. به: احمد الحصری، السیاسة الجزائیه، ج ۲، ص ۴۷. محمد سلیم العوا، فی اصول النظام الاسلامی، ص ۲۱۷) به نظر این دسته از مفسران، آیه مورد بحث در صدد بیان مجازات زنان زناکار است که با نزول آیه دوم از سوره نور که مربوط به حد جلد زنان و مردان زناکار است نسخ شده است^۱ بنابراین مطابق نظر این دسته مفسرین بعد از نزول آیه جلد زناکار، دیگر نمی‌توان به دستور آیه سوره نساء عمل کرد و زناکاران را در محل مخصوص نگهداری نمود. بدین ترتیب بعد از اجرای حد چنین مجرمینی، باید آنها را رها نمود، تا در صورت تکرار جرم مذکور، مجدداً حد زنا بر آنها جاری شود و در مرتبه سوم یا چهارم کشته شوند. (شرايع الاسلام، ص ۱۵۵، ج ۲، س ۱۹۸۳) در مقابل این قول، عده‌ای دیگر از فقها بر این نظرند که آیه امساک نسخ نشده و تعارضی هم بین این دو آیه وجود ندارد؛ زیرا امساک زنان زناکار در محلی که دسترسی به جامعه نداشته باشند حد زنا نیست تا با آیه جلد نسخ شود، بلکه منظور حفاظت و نگهداری این زنان می‌باشد تا زمانی که توبه کرده و اصلاح شوند و یا کسی با آنان ازدواج کند و به هر حال خطر آنها رفع گردد.

۲- آیه حد زنا و لزوم حضور مؤمنین در هنگام اجرای حد

یکی دیگر از اقدامات تأمینی و تربیتی مسئله انتشار و اعلان حکم است تا بدین طریق هم عبرتی برای

۱. «الرأبه و الزانی فاجلد و اکل واحد منهما مائه جلد...» سوره نور، آیه ۲



افراد جامعه باشد تا گرد چنین جرمی نگردند و هم موجب شناسایی محکوم علیه شود تا مردم با شناختن او مواظب روابط خود و فرزندان و کسان خویش با چنین فردی شوند. (صانعی، ج ۲، ص ۲۳۹، س ۱۳۷۱) این امر مورد قبول اکثر حقوق دانان در کشورهای غربی و اسلامی قرار گرفته است و جنبه های تأمینی و اصلاحی و پیشگیری را بر آن مترتب دانسته اند. (سمیر، ص ۴۲۹، س ۴۱۶) (فاضل، ص ۴۲۲، س ۱۳۹۶) البته در سابق که وسایل ارتباط جمعی از قبیل نشریات و رادیو تلویزیون نبود، به جای چاپ حکم محکومیت در مطبوعات و یا اعلان از طریق روزنامه ها، دستور داده می شد که به نحوی موضوع به اطلاع عموم برسد تا جمع شوند و شاهد مجازات مجرم باشند، این موضوع در مورد اجرای حد زنا مورد قبول و تأیید قرآن مجید قرار گرفته است: «الزانیه و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلده و لا تأخذکم بهما رافه فی دین الله ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الاخر، و لشهید عذابهما طائفه من المؤمنین» (سوره نور، آیه ۲) یعنی هر یک از زن و مرد زناکار را یکصد ضربه تازیانه بزنند، و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خداوند و روز جزا ایمان دارید، و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند. در این که طائفه به چند نفر صدق می کند، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد و عده ای گفته اند سه نفر یا بیشتر باید حضور داشته باشند. (محقق اردبیلی، ص ۶۶۰، س ۱۹۹۶م) آنچه در این آیه مورد نظر می باشد دستور قرآن مجید به حضور جمعی از مؤمنین در هنگام اجرای حد است که به تعبیر صاحب تفسیر «کنز العرفان» این مسئله به جهت بازداشتن مردم از ارتکاب چنین عمل قبیحی است. (فاضل مقداد، ص ۳۴۲، س ۱۳۴۸ م) مسئله انتشار یا دعوت از مردم برای حضور در محل اجرای حکم، اختصاص به حد زنا ندارد و چنانچه مصلحت عمومی ایجاب کند و منعی در بین نباشد، باید این حکم در سایر جرائم مهم و خطرناک نیز مورد اجرا قرار گیرد.

۳- آیه حد قذف و سلب صلاحیت قاذف در ادای شهادت

در قرآن مجید در ارتباط با کسانی که زنان عقیف را متهم به روابط نامشروع (زنا) کنند، مجازات حد برابر هشتاد ضربه تازیانه مقرر گردیده و عدم پذیرش شهادت آنان به عنوان یک مجازات تکمیلی و یا تبعی (به تبع از دست دادن صفت عدالت) و در واقع به منزله یک اقدام تأمینی به مجازات آنان اضافه شده است، آیه شریفه چنین است: «والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا باریعه شهداء فاجلدوهم ثمانین جلده و لا تقبلوا لهم شهاده ابدا و اولئک هم الفاسقون»؛ (سوره نور، آیه ۴) کسانی که زنان پاکدامن را متهم می کنند (نسبت زنا به آنان می دهند)، سپس چهار شاهد (بر مدعی خود) نمی آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید، و آنها همان فاسقان اند.

در اینجا محرومیت از حق ادای شهادت در محاکم یعنی سلب صلاحیت شهادت با توجه به لفظ «ابدا» برای تمام عمر نسبت به آنان مقرر شده است، گرچه در آیه بعدی در صورت توبه و اصلاح از چنین محرومیتی معاف خواهند شد. (طبرسی، ج ۷، ص ۱۹۸، س ۱۹۸۸)



ب) بعضی از عموماًت قرآن مجید در ارتباط با اقدامات تأمینی و تربیتی منع فساد

یکی از موضوعاتی که قرآن مجید بر آن تأکید دارد مسئله دفع و منع فساد است که در قرآن قریب به پنجاه مورد به صورت‌های مختلف به این مسئله اشاره شده است، گاهی در قالب فعل امر «لاتفسدوا فی الارض...» (سوره اعراف، آیات ۵۶ و ۸۵) گاهی در قالب توبیخ گذشتگان از اینکه چرا مانع فساد و تباهی نشدند: «فلولاکان من القرون من قبلکم اولو بقیه بنهون عن الفساد فی الارض الا قلیلاً ممن انجینا منهم، و اتبع الذین ظلموا ما اتفروا و کانوا مجرمین» (سوره هود، آیه ۱۱۶) یعنی چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟ مگر اندکی از آنها که نجاتشان دادیم، و آنانکه ستم می‌کردند، از تنعم و کامجویی پیروی کردند و گناهکار بودند (و ناپود شدند). این آیه ضمن توبیخ اقوام گذشته که مانع فساد نشده‌اند، علت ناپودی آنها را شیوع فساد و تبعیت از هوا و هوس‌ها و ارتکاب جرایم دانسته است.

همچنین در جای دیگری می‌فرماید: «... و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یدکر فیها اسم الله کثیراً...» (سوره الحج، آیه ۲۴۰) یعنی اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خداوند در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد. به تعبیر مفسرین منظور از دفع مردم به وسیله مردم، دفع فساد و پیشگیری از جرایم ارتکابی توسط مفسدین است (طبرسی، ج ۳، س ۱۹۸۸م) و چنانچه از فساد و تباهی افراد فاسد پیشگیری نشود، مراکز عبادت و پرستش ناپود می‌شود، یعنی فساد و بزهکاری شیوع پیدا می‌کند و افراد صالحی یافت نمی‌شوند که در معابد و مساجد به ذکر پروردگار بپردازند، مشابه همین آیه در سوره بقره پس از بیان واقعه جنگ بین جالوت و داود (ع) و از بین رفتن لشکر جالوت با تعبیر دیگری آمده است (طباطبایی، ج ۲، س ۳۹۴ق، ذیل آیه ۲۵۱ سوره بقره) با ملاحظه مجموعه آیاتی که در ارتباط با ضرورت دفع فساد و پیشگیری از وقوع جرایم در قرآن مجید آمده است، این مسئله قطعی به نظر می‌رسد که از نظر قرآن مجید اقدام برای دفع فساد و پیشگیری از وقوع جرایم امری حتمی و تکلیفی همگانی است و انجام ندادن چنین تکلیفی موجب انهدام جوامع بشری شده و همه مردم، حتی صالحان نیز در مقابل شیوع فساد معاقب خواهند بود.

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین فرایض دین مبین اسلام و بلکه رکنی است که سایر فرایض بدان متکی است (فیض کاشانی، ج ۲، ص ۷۴، بی تا) و شارع مقدس اسلام اهتمام فراوانی در بر پا داشتن آن نموده است و ترک‌کننده آن را هم تقبیح کرده و منکر آن با علم به وجوب و تفاوت به حکم، جزو کفار شمرده شده است. (همان، ص ۴۱۸) فقها و علمای اسلام این فریضه

را به عنوان حق دفاع عمومی و در عین حال تکلیف همگانی در مقابله با فساد و فحشا و انحراف دانسته‌اند، (فاضل، ج ۱، ص ۴۸۹، س ۱۹۵۲ م) و رعایت نکردن این تکلیف سبب قطع برکات الهی و تسلط افراد نا صالح بر مقدرات جامعه خواهد شد که در کتب حدیث در این مورد روایاتی فراوانی از معصومین علیهم السلام نقل شده است. (حر عاملی، ج ۱۱، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، ص ۳۹۴ به بعد، س بی تا) در قرآن مجید در مواضع مختلف به انجام این فریضه مهم تأکید شده و امت‌هایی که این واجب را ترک کرده‌اند مورد نکوهش قرار گرفته و یکی از وظایف عمده مؤمنین اهتمام تام نسبت به انجام این تکلیف شمرده است، از جمله در سوره آل عمران آمده است: «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴) یعنی باید از میان شما مؤمنین جمعی باشند که دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنها همان رستگارانند یا در جای دیگری از همین سوره آمده است: «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله...» (همان، آیه ۱۱۰) یعنی شما بهترین امتی هستید که به نفع همه انسان‌ها آفریده شده‌اید (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

در واقع به تعبیر مفسرین دلیل بهترین امت بودن امت اسلام وجود این سه صفت یعنی «امر به معروف، نهی از منکر و ایمان به خدا» می‌باشد. (فیض کاشانی، ص ۳۰۶، ج ۴، س ۱۳۴۷) با ملاحظه آیات فوق و سایر آیاتی که در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر در قرآن آمده است، از یک طرف اصل وجود این حکم و ضرورت نهی از منکر مسلم می‌شود و از طرف دیگر، با عنایت به اینکه نهی از منکر قبل از وقوع منکر است، اقدامات تأمینی و تربیتی از مصادیق بارز نهی از منکر و پیشگیری از عمل خلاف شرع به شمار می‌رود. اصولاً پس از وقوع منکر، چیزی وجود ندارد که قابل نهی باشد، به تعبیر علما «الشیء لا ینقلب عما هو علیه» پس از تحقق یک امر، دیگر آن شیء منقلب به حال سابق نخواهد شد، و از نظر فقها هر نهی از منکری باید به دفع منکر و رفع آن ختم شود و به عبارت بهتر نظر شارع مقدس این است که باید کاری کرد که خلاف شرع و آنچه از طرف شارع به عنوان منکر معرفی شده است واقع نشود.^۱ بدین ترتیب اقدامات تأمینی و تربیتی با عمومات ادله امر به معروف و نهی از منکر سازگاری دارند؛ زیرا تمامی آنها تدابیری هستند که به دفع منکر و رفع آن کمک کرده و قطعاً چنین امری مطلوب شارع و از مصادیق تکلیفی است که آن همه مورد اهتمام شارع مقدس قرار گرفته است. البته ما در اینجا در صدد بیان احکام امر به معروف و نهی از منکر و شرایط و مراتب آن نیستیم^۲ اما آنچه ذکر آن در اینجا ضرورت دارد این است که بخشی از امور مربوط به امر به معروف و نهی از

سال سوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۸۱



۱. امام خمینی، حکومت اسلامی، ص ۱۴۰، س ۱۳۷۶ و ۱۳۶۸، ر.ک. ضمائم ۳ و ۵ کتاب استفتائات از حضرات آیات فاضل لنکرانی و یوسف صائمی در خصوص اقدامات تأمینی و تربیتی.
 ۲. برای اطلاع بیشتر از احکام این موضوع ر.ک. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، ص ۴۱۷؛ سید محمد صادق روحانی، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و التقیه؛ حسین نوری همدانی، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر؛ و محمد بن ناصر بن عبد الرحمن العمار، حقیقه الامر بالمعروف و النهی عن المنکر از کانه و مجالته، و ابی بکر احمد بن محمد هارون الخلال، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر.

منکر که جنبه نصیحت و ارشاد دارد و همه مسلمانان مکلف به انجام آن هستند.

اصلاح و تربیت

یکی از مسائل دیگری که مورد اهتمام شارع مقدس اسلام می‌باشد ضرورت اصلاح و تربیت نفوس بشری است و در قرآن مجید قریب به ۱۸۰ مورد با تعابیر مختلف به این مسئله اشاره شده و در برخی از آیات الهی بعضی از پیامبران هدف اصلی رسالت خود را اصلاح مردم اعلام کرده‌اند. (قرآن کریم از قول حضرت شعیب (ع) خطاب به مردم مدین می‌فرماید: «ان ارید الا الاصلاح ما استطعت...» (سوره هود، آیه ۶۶) از نظر قرآن، انجام عمل صالح و توبه و بازگشت به سوی پروردگار موجب نجات و رستگاری جامعه، و افساد و تباهی، موجب نابودی آن خواهد بود. (سوره اسراء، آیه ۱۷) در بعضی از آیات، اصلاح نقیض و نقطه مقابل افساد معرفی شده است («و الله یعلم المفسد من المصلح» سوره بقره، آیه ۲۲۰، «لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها» (سوره اعراف، آیه ۵۶)) و «و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها ذالک خیر لکم» (همان، آیه ۸۵، س ۱۳۹۳ق). و همان طوری که فساد در جامعه مبعوض شارع مقدس بوده و امر به دفع آن و پیشگیری از وقوع مفسده داده است، اصلاح مردم محبوب و مطلوب وی می‌باشد و قرآن مجید امر به اصلاح و تربیت نفوس و دعوت به توبه کرده است که در کتب تفسیری همچون «المیزان» بحث مفصل آن را می‌توان ملاحظه کرد. (طباطبایی، ج ۴، ص ۲۶۰). به هر حال با عنایت به آیات شریفه قرآن مجید در باب ضرورت اصلاح و تربیت افراد جامعه می‌توان گفت که اقدامات تأمینی و تربیتی از مصادیق بارز اصلاح و تربیت است و قطعاً روش‌های عقلانی و پذیرفته شده توسط عقلای اقوام مختلف (به عنوان نمونه ر.ک: عبدالوهاب حومد، ص ۶۲۰ و عالیه سمیر، ص ۴۴۴) همچون نگهداری اطفال بزهکار (شرح الاحکام العامه (لیبی)، ص ۵۰۳) (الجریمه و المجرم و الجزاء، ص ۵۶۳) و مجائین قابل اصلاح (محمد سامی النبراوی، و مصطفی العوجی، المسؤلیه الجنائیه، ص ۲۶۱. و مصعب الهادی بابکر، الاسباب المانع من المسؤلیه الجنائیه، ص ۴۴) در مراکز اصلاح و تربیت و بازپروری و معالجه و درمان معتادین به موادمخدر و الکلیک‌ها (همان، ص ۴۳۴) و مجرمین به عادت (صانعی، ج ۱، ص ۵۵۷، س ۱۳۹۶ق) و تعلیم شغل و حرفه مناسب به آنانکه در قانون اقدامات تأمینی (قانون اقدامات تأمینی (مصوب ۱۳۳۹) ماده ۳، بند ۳) (مصوب ۱۳۳۹) و دیگر قوانین جزایی ایران و سایر کشورها مانند قانون جزای فرانسه (قانون جزای عمومی (مصوب ۱۹۹۲) فرانسه، مواد ۱۳۱-۶ و ۱۳۱-۸) و مصر (ر.ک: قانون عقوبات مصر، مواد ۶۵ و ۶۶) و سوریه (ر.ک: قانون سوریه، مواد ۱۱۸-۱۲۵) و لبنان (قانون عقوبات لبنان، مواد ۷۰-۷۷، العقوبات و التدابیر و اسالیب تنقیذها، ص ۵۹) و تونس در قالب تأمینی و یا مجازات‌های تکمیلی آمده است، موردنظر شارع مقدس و تأمین‌کننده بخشی از اهداف ذکر شده می‌باشد و آنچه حقوقدانان و جرم‌شناسان در باب اهداف عمده اقدامات تأمینی و تربیتی بیان کرده‌اند (قانون عقوبات تونس (اصلاحی ۱۹۹۸)، مواد ۵ و ۳۸) گرچه با اصلاح و تربیتی که مطلوب قرآن مجید است عیناً تطبیق نمی‌کند اما خارج از اهداف آن هم نیست و در واقع قسمتی از منویات اسلام بدین طریق تأمین خواهد شد (صانعی، ج ۲، ص ۲۲۹، سمیر، ص ۴۱۱، س ۱۴۱۶). به

عبارت دیگر، نسبت آنها نسبت عموم و خصوص مطلق است و اهداف قرآن مجید فراتر از ترک اعتیاد و بازپروری مصطلح می‌باشد. (الموسوی الخمینی، ص ۷۳، س ۱۳۶۸)

ماهیت فقهی اقدامات تأمینی و تربیتی از نظر سنت

فقه‌های اسلام سنت را به فعل، قول و تقریر معصوم (ع) تعریف کرده‌اند (مظفر، ج ۲، ص ۵۷، س ۱۹۸۳م) اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، که از نظر علمای امامیه شامل پیامبر و ائمه معصومین و فاطمه زهرا علیهم السلام خواهد (همان، ص ۸۷) بود. پس از آنکه جایگاه اقدامات تأمینی و تربیتی را از نظر آیات قرآنی مورد ارزیابی قرار دادیم، در این مقاله هم، منظور بررسی تفصیلی احادیث و روایات مربوط نیست، بلکه هدف ارائه نمونه‌هایی از فعل، قول یا تقریر آنان است که به نحوی با آنچه امروزه اقدامات تأمینی و تربیتی نامیده می‌شود، هماهنگی داشته باشد.

از جمله مصادیق اقدامات تأمینی و تربیتی، تبعید و اجبار به اقامت در محل معین و یا منع از اقامت در محل معین است که در قوانین جزایی کشورهای مختلف از جمله ایران (قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) ماده ۱۹ و قانون اقدامات تأمینی سابق (مصوب ۱۳۳۹)، ماده ۳، بند ۲)، فرانسه (قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۹۹۲)، لیبی (قانون عقوبات لیبی ماده ۱۸۵ و ر.ک: محمد سامی نبرای، شرح الاحکام العامه لقانون العقوبات اللیبی، ص ۵۰۴)، سوریه (قانون عقوبات سوریه، ماده ۸۲ و ۸۳) و لبنان (قانون عقوبات لبنان، ماده ۸۲) مورد پذیرفته شده است و نوعاً در غالب مجازات‌های تکمیلی و تجمیمی اعمال می‌شود و در بعضی از قوانین به عنوان یک اقدام تأمینی و تربیتی، به معنای اخص کلمه، مورد تصویب قرار گرفته است. (قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، بند ۲ ماده ۳، نگاهداری مجرمین به عادت در تبعیدگاه) با بررسی سیره رسول گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام و احادیث منقوله از آنان ملاحظه می‌شود که این مسئله مورد توجه آنان بوده و به اتفاق علمای امامیه و اهل سنت به وسیله پیامبر (ع) و امیرالمومنین (ع) مورد حکم هم واقع شده است. (بیشین، ص ۳۲۴ به نقل از: التراتیب الداریه، ج ۱، ص ۳۰۱، فقه الحدود و التعزیرات، ص ۶۸۰) از جمله نقل شده است که پیامبر اسلام (ع) شخصی به نام حکم بن عاص را به دلیل اینکه در راه رفتن و بعضی حرکات خود تشبه به رسول خدا کرده و ایشان را مورد استهزا قرار می‌داد به «طائف» تبعید کرد (آیه‌الله حسینعلی منتظری، همان، ص ۳۲۴)؛ همچنین شخص مختلی را که دست و پای خود را با خنارنگین کرده و خود را به صورت زنان می‌آراست و موجب مفسده می‌گردید به «نقیع» تبعید (حر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۵۹، بی‌تا) نمود. همچنین امیرالمومنین (ع) در مورد مردان غیرمحسن که مرتکب جرم زنا می‌شدند علاوه بر اجرای حد زنا دستور به تبعید آنان به مدت یک سال صادر می‌کردند (همان، ج ۱۸ ص ۳۴۹) که به صورت حکم قانونی در حال حاضر نیز اجرا می‌گردد. (قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)، ماده ۸۷)

روایاتی هم از معصومین علیهم السلام در مورد تبعید قواد به مدت یک سال وارد شده است (همان،

ص ۴۲۹) که به نظر می‌رسد مسئله تبعید قواد جنبه تعزیری داشته و به عنوان یک مجازات تکمیلی جهت دفع مفسده او اعمال می‌گردد. فقها نیز اجرای آن را منوط به نظر حاکم دانسته‌اند (موسوی الخمینی، ج ۲، ص ۴۷۱، بی‌تا) حال آنکه اگر عنوان حدی داشت لازم‌الاجرا بود و در اختیار حاکم قرار نمی‌گرفت، گرچه در آن صورت هم در نتیجه امر یعنی در جنبه تأمینی و تربیتی آن تغییری حاصل نمی‌شد. شایان ذکر است که فقهای امامیه و جمعی از فقهای اهل سنت نفی بلد را که در مورد مجازات محارب و مفسد فی الارض در قرآن مجید آمده است (سوره مائده، آیه ۳۳) به معنی همان تبعید و اجبار به اقامت در محل دیگر معنا کرده‌اند (حلی، ج ۴، کتاب المحارب، ص ۱۸۲، نجفی، ج ۴۱، ص ۵۷۳، مغنیه، ج ۵، ص ۴۰۹) اما چون این حکم به عنوان مجازات اصلی محارب یعنی یکی از چهار حد مذکور در آیه محسوب شده برحسب اینکه قاتل به تخییر بین: قتل، صلب، قطع دست راست و پای چپ و تبعید باشیم یا نظریه ترتیب را بپذیریم که برحسب سنگینی جرم انجام یافته حاکم بتواند یکی از این چهار مورد را اعمال کند (همان، ص ۴۹۲، فی حد المحارب، مسئله ۴)، جزو مجازات‌های تبعی و تکمیلی یا اقدامات تأمینی محسوب نمی‌شود، اما ماهیتاً تبعید جنبه تأمینی و تربیتی خواهد داشت.

یکی دیگر از تدابیر تأمینی، مسئله منع از اقامت در محل معین است که مورد پذیرش قانون‌گذاران و حقوق‌دانان واقع شده است. (فاضل، ص ۴۳۹، پیشین ص ۶۰۱ و ر.ک: قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)، ماده ۱۹) این امر در زمان پیامبر در مورد مردانی که خود را به صورت زنان در می‌آوردند و موجب فساد می‌شدند بنا بر نقل نویسندگان، اجرا گردیده است. (موسوی اردبیلی، ص ۶۸ س ۱۴۱۳ق)

در مورد بعضی از مجرمین، مصلحت ایجاب می‌کند که قاضی وی را از بعضی از حقوق اجتماعی مانند حق حضانت و قیومت و ولایت و اشتغال به بعضی از مشاغل محروم کند. این امر در قوانین جزایی اکثر کشورها به عنوان یک اقدام تأمینی پذیرفته شده است. (از جمله قانون جزای عمومی جدید فرانسه، مواد ۱۰-۱۳۱ و ۲۶-۱۳۱ و ر.ک: سمیر عالی، ص ۴۲۸ و بعد، س ۱۴۱۶) با بررسی سنت معصومین علیهم‌السلام معلوم می‌شود که در مورد بعضی اشخاص به جهت حفظ مصالح عمومی، حکم به چنین محرومیت‌هایی داده شده است؛ از جمله از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده که آنها را حبس نماید (حر عاملی: ص ۲۲۱ و ر.ک. آیه‌الله منتظری: همان، ص ۳۲۵) و نیز کسی که مرتکب قتل مورث خود شود از حق ارث اموال مقتول محروم می‌گردد. (همان، ص ۳۶۹) در مورد محارب هم وقتی تبعید می‌شود، بنا بر نقلی از امام رضا(ع) به مردم محل تبعید باید اعلام شود که از مجالست و معامله و ازدواج و مشاوره و هم‌خوراک شدن با او خودداری نمایند. (همان، ص ۵۳۹)

مورد دیگر از تدابیر تأمینی، ضبط اشیای خطرناک و گاه از بین بردن آنهاست تا به اصطلاح ریشه مفسده از بین برود. در این رابطه نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام دستور دور ریختن مشروبات الکلی و از بین بردن وسایل و ظروفی را که جهت این امر به کار رفته بود، صادر کردند. (سنن، همان، ج

۲، ص ۳۷۹، نیل الاوطار، ج ۵، ص ۳۳۰) به نقل از دکتر رهامی در مسند احمد بن حنبل آمده است که پیامبر اسلام وقتی شنید بعضی از تجار از شام مشک‌هایی از شراب به مدینه آورده‌اند همراه اصحاب‌شان به سوی بازار مدینه رفتند و دستور دادند مشک‌های شراب را از دکان‌ها جمع‌آوری و پاره نمایند و هیچ مشک شرابی در مدینه نماند مگر اینکه از بین برده ش. (آیه‌الله منتظری، همان، ج ۲، ص ۳۳۵ به نقل از: مسند احمد، ج ۲، ص ۱۳۲) فقها و مفسرین امامیه نوشته‌اند پس از نزول آیه: «یا ایها الذین آمنوا، انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون» (سوره مائده، آیه ۹۰) و تحریم خمر، پیامبر اسلام (ص) در مسجد نشستند و دستور دادند مردم ظروفی را که در آنها خمر نگهداری می‌کردند به مسجد بیاورند، آنگاه شراب‌های آنها را بر زمین ریختند، ولی در مورد شکستن ظروف یا پاره کردن مشک شراب چیزی نفرمودند. (صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۷۰) از مصادیق دیگر این نوع اقدامات تأمینی و تربیتی احکامی است که در کتب حدیث و فقه، پیرامون سوزاندن بت‌های تراشیده شده از چوب و مانند آن و از بین بردن آلات قمار وارده است (انصاری، ص ۹، الموسوی الخمینی، ج ۱، ص ۱۰۸، س ۱۳۸۶) از ملاحظه مجموع اخبار و روایات مربوط به این مبحث چنین نتیجه گرفته می‌شود که از بین بردن و ضبط اشیایی که مایه فساد می‌باشد مورد قبول شارع مقدس بوده و با الغای خصوصیت از این روایات می‌توان به یک حکم شرعی کلی، مشابه آنچه در قوانین جزایی امروز به عنوان یک اقدام تأمینی و یا مجازات تکمیلی و تمیمی پذیرفته شده، دست یافت.

ماهیت فقهی اقدامات تأمینی و تربیتی از نظر فقها

در کتب فقهی عنوان خاصی به نام اقدامات تأمینی و تربیتی دیده نمی‌شود ولی تحت عنوان «تغزیرات» احکامی مطرح شده که می‌تواند جنبه اصلاحی و تربیتی داشته باشد، و اصولاً «تغزیر» در معانی مختلفی استعمال شده است که یکی از معانی اصلی آن «تأدیب» می‌باشد. فقها «تغزیر کودک ممیز» را در جرایمی چون سرقت پذیرفته‌اند و در بعضی روایات تغزیر اطفال تا پنج ضربه تازیانه تجویز شده است که تمام اینها را باید حمل بر تأدیب و تربیت نمود؛ (حر عاملی، ج ۱۸، ص ۳۱۷) زیرا بر اساس حدیث مشهور نبوی «رفع القلم عن الثلاث عن الصبی حتی یحتلم و عن المجنون حتی یفییق و عن النائم حتی یتقیظ» (همان، ص ۵۸۱ و ۵۸۲) اطفال و مجانین از مسئولیت کیفری معاف بوده و در این امر فقهای عامه و امامیه اتفاق نظر دارند. البته بعضی از فقها معتقدند که تغزیر منحصر در تازیانه است مگر جایی که دلیل بر خلاف آن باشد در مقابل عده‌ای دیگر اموری چون نگهداری در محل مخصوص، نصیحت و وعظ را هم مشمول تغزیر می‌دانند و معتقدند هر آنچه حاکم مسلمین برای اصلاح و تربیت و جلوگیری از ارتکاب جرم لازم بداند، مشمول تغزیر است. (بحثی در تغزیرات»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۴۶ و ۱۴۷، ص ۳۵-۷۲) فقهای اهل سنت نوعاً عنوان تغزیر را قابل توسعه به انواع تدابیری که جنبه بازدارندگی و اصلاحی آن بیشتر باشد، می‌دانند و اقداماتی چون حبس، تبعید، توبیخ و امثال



آن بر اساس این که نسبت به وضعیت مجرم و اوضاع و احوال وی مؤثر باشد، تجویز می‌کنند (مغنیه، ص ۴۰۰، س ۱۹۹۳ م).

یکی از حقوقدانان مصر در مورد تعزیرات می‌نویسد، «شریعت اسلام تعزیر را برای بازداشتن از ارتکاب جرایم و اصلاح و تأدیب مجرمین تشریح نموده است، تا به وسیله آن، اجتماع صالحی ایجاد و از مفاسد و منکرات پیشگیری گردد». (التعزیر فی الشریعه الاسلامیه، ص ۲۴۷، رهامی، ص ۱۵۵، س ۱۳۸۱)

امام خمینی در «تحریر الوسیله» در مورد تأدیب اطفال، تازیانه زدن را تجویز و میزان آن را به وضعیت طفل و نظر ولی او منوط کرده است و به کراهت بیش از ده تازیانه فتوا داده است. (تحریر الوسیله، ج ۲، باب قذف، فروع حد قذف، مسئله ۴۷۷) در مورد تسری عنوان تعزیر به غیر از تازیانه، رئیس دیوان عالی کشور از امام خمینی چنین استفتاء کرده‌اند:

«آیا حبس، نفی بلد، تعطیل محل کسب، منع از ادامه خدمت در ادارات دولتی، جریمه مالی و به طور کلی هر تنبیهی که به نظر برسد موجب تنبیه و خودداری از ارتکاب جرایم گردد، جایز است و باید به عنوان تعزیر تعیین شود یا در تعزیرات به مجازات‌های مخصوص باید اکتفا کرد؟» و ایشان در پاسخ گفته‌اند: «در تعزیرات شرعیه احتیاط آن است که به مجازات‌های منصوصه اکتفا شود مگر آنچه جنبه عمومی داشته باشد، مثل احتکار و گران‌فروشی که با مقررات حکومتی داخل در مسئله بعد، می‌باشد». (مهرپور، ص ۱۲۳، س ۱۳۷۲) در سؤال بعدی هم راجع به امور عمومی مانند گمرکات، شهرداری‌ها و امثال آن سؤال شده و ایشان تعیین «مجازات بازدارنده» را تجویز کرده‌اند. به نظر می‌رسد تعزیر عنوان عام‌الشمولی است که می‌تواند مصادیقی، مانند آنچه در سؤال رئیس دیوان عالی کشور ذکر شد، داشته باشد؛ و اینکه نام آن با «تعزیر» یا مجازات‌های بازدارنده بگذاریم، تأثیری در واقعیت امر ندارد. آنچه در سؤال مذکور و پاسخ امام خمینی آمده نمونه بسیار خوبی در ارائه مشروعیت تدابیر تأمین و تربیتی می‌باشد، اما با تمام تفصیل، آنچه به عنوان تعزیر و یا مجازات بازدارنده در کتب فقهی آمده، ابهامات موجود و ماهیت فقهی اقدامات تأمین و تربیتی را حل نمی‌کند؛ زیرا تمام آنها به عنوان مجازات در مقابل ارتکاب جرم اعمال می‌شود. به طور کلی اختلاف‌نظرهای فراوانی در مورد تعزیرات وجود دارد (همان، ص ۹۹-۱۳۵) عده‌ای مانند امام خمینی، (همان، ص ۱۲۴) آیه‌الله منتظری (همان، ص ۱۲۷) و آقای معرفت (همان، ص ۳۵) تعزیرات را اعم از شلاق و عده‌ای دیگر منحصر در شلاق می‌دانند الا موارد خاص. (التعزیر، ص ۵۲) به هر حال، اقدامات تأمین یک امر مستحدثه است.

مشروعیت اقدام تأمین قبل از ارتکاب جرم^۱

اولین سؤال این است که آیا شرعاً کسانی را که احتمال عقلانی وقوع جرم از طرف آنها وجود دارد ولی هنوز مرتکب جرمی نشده‌اند می‌توان به عنوان یک اقدام تأمین دستگیر و زندانی کرد و یا سایر اقدامات

1. Ante delictum



را در مورد آنان معمول داشت. یا اینکه باید منتظر شد تا بزهدکار یک بار جرمی انجام دهد، سپس برای پیشگیری از تکرار آن، اقدام تأمینی و بر او اعمال کنیم؟ و در هر صورت چگونه می‌توان آزادی فردی را برای جرمی که هنوز وقوع نیافته، محدود کرد؟^۱

در این مورد، عده‌ای از فقها و علما اعمال اقدام تأمینی قبل از وقوع جرم را جایز ندانسته‌اند، از جمله آیه‌الله موسوی اردبیلی در پاسخ گفته‌اند: «جایز نیست» و آیه‌الله صادقی تهرانی در جواب گفته‌اند: «احتمال عقلانی وقوع جرم هرگز هیچ‌گونه جزای مالی یا غیرمالی را تجویز نمی‌کند، که جای اعتدای به مثل نیست، و قصاص قبل از جنایت است و تنها تربیت و مراقبت است به گونه‌ای شایسته که لااقل جلوی جرم محتمل را بگیرد» وی تأکید کرده است: «احتمال عقلانی جرم هرگز اقدام تأمینی بالفعل ندارد، چه رسد به زندانی کردن و تنها به عنوان احتیاط بایستی مورد مراقبت کامل قرار گیرد، البته به گونه‌ای که شخص موردنظر نداند...».

ولی عده‌ای دیگر، اقدامات تأمینی پیش از وقوع جرم را تحت شرایطی خاص جایز می‌دانند، از جمله آیه‌الله خامنه‌ای فرموده‌اند: «پیشگیری از وقوع جرم به خصوص [تحت عنوان فقهی خاص] مطرح نشده است ولی در موارد لزوم، بستگی به نظر حاکم شرع با مراعات حدود آن دارد، و الله العالم» آیه‌الله فاضل لنکرانی این‌گونه پاسخ داده‌اند: «اصولاً مسئله نهی از منکر که یکی از فرایض مهمه اسلام است و حتی به عنوان ستون برای واجبات دیگر معرفی شده در همین رابطه است زیرا دیگر بعد از تحقق جرم و ارتکاب عمل نامشروع، جایی برای نهی از منکر و زجر (منع) باقی نمی‌ماند، کسی که مثلاً شرب خمر انجام داد و یا خدای ناکرده زنا کرد، پس از وقوع عمل، وی را از چه چیزی نهی می‌کنند؟ و آیا نهی می‌تواند تأثیری در موقوفه داشته باشد و انقلاب محال را به وجود آورد؟ ملاحظه می‌شود که ایشان ضمن تجویز اصل اقدامات تأمینی پیش از وقوع جرم، مبنای فقهی آن را هم، احکام مربوط به «نهی از منکر» دانسته‌اند، و ضمانت اجراهایی، همچون جریمه مالی و زندان و سایر کیفرها را نیز در این رابطه مورد توجه قرار داده‌اند، منتهی هم نامبرده و هم آیه‌الله خامنه‌ای، تشخیص امر را به عهده حاکم شرع محول کرده‌اند.

آیه‌الله منتظری ضمن این که به عدم جواز اعمال اقدام تأمینی قبل از ارتکاب جرم و اثبات آن تصریح کرده‌اند، در مواردی که مسئله اختلال نظام و حفظ نظم و امنیت مطرح شود، مراقبت اشخاص و در صورت ضرورت، حبس را جایز دانسته‌اند: «به طور کلی حبس و تبعید و تعزیرات دیگر و آپروریزی اشخاص قبل از ارتکاب جرم و ثبوت آن جایز نیست. بلی در مواردی که نظم و امنیت اجتماعی و جلوگیری از اختلال نظام متوقف بر مراقبت اشخاص باشد، حاکم شرع جامع‌الشرایط باید حکم مراقبت را به مقدار لازم با رعایت حفظ آبروی افراد و حقوق خانواده آنان صادر نماید، و اگر فرضاً برای آنان

۱. سوالات مذکور به صورت استفتاء فقهی توسط (دکتر محسن رهامی) به عمل آمده و ایشان آورده‌اند که، تعدادی از مراجع تقلید و فقها از طرح مسائل جدید و جرم‌شناسی استقبال و پاسخ‌های مستدل ارائه نمودند، و برخی به پاسخی اجمالی اکتفا نموده و تعدادی نیز به دلایلی همچون نداشتن فرصت کافی و لزوم مطالعه مفصل پیرامون این سوالات و عدم آمادگی از ارسال پاسخ خودداری کرده‌اند.

سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۸۸



حبس را تشخیص داد باید حبس با حفظ حقوق زن، بچه و تأمین معاش آنان و حقوق زوجیت باشد و خلاصه محدود باشد، نه اینکه محصور مطلق مانند زندان‌های ممنوع‌الملاقات و از مراقبت نسبت به زندگی شخصی نیز اجتناب شود، و مأموریت این امور نیز به افراد عاقل، بصیر و دلسوز محول شود.»

آیه‌الله یوسف صانعی، اقدام تأمینی را از باب نهی از منکر جایز و بلکه واجب دانسته است: «اقدام تأمینی و پیشگیری با زندان کردن و یا اقامت اجباری و یا اخذ وثیقه مالی و امثال آنها که موجب سلب سلطنت و آزادی افراد نسبت به جان و مال و مسکن و انفس اشخاص می‌باشد، که خلاف قاعده معروفه «الناس مسلطون» است، هر چند به عنوان نهی از منکر (که اعم از رفع و دفع می‌باشد) جایز و بلکه واجب است، لیکن نیازمند به قانون است، چون این‌گونه نهی از منکرها مانند حکم به قصاص، از شئون حکومت و حقوق جامعه است، که بدون نظر حکومت موجب به قصاص از شئون حکومت و حقوق جامعه است، که بدون نظر حکومت موجب هرج و مرج و نا امنی و اختلال در نظم جامعه می‌گردد.»

و بالاخره دکتر گرجی در این مورد چنین نظر داده است: «مجرم را می‌شود کیفر داد ولی چنانچه از شخص جرمی واقع نشده، به مجرد احتمال عقلانی عادی، تنها می‌توان در مورد او اقدامات تأمینی و احتیاطی انجام داد». ایشان اقدامات تأمینی را جزو مجازات‌ها ندانسته، و آن را از مقررات حکومتی برای پیشگیری از جرم به حساب آورده‌اند.

مشروعیت اقدام تأمینی پس از ارتکاب جرم

مسئله دیگر اقدام تأمینی پس از ارتکاب جرم است به این صورت که آیا کسانی را که مرتکب جرم شده‌اند و یا عادت به ارتکاب جرم دارند، به عنوان اقدامات تأمینی می‌توان علاوه بر مجازات قانونی مربوط، تدابیر دیگری از قبیل حبس، تبعید و اخذ ضمانت احتیاطی و ... در مورد آنان معمول داشت؟ این سؤال در واقع مطابق با شرایط قانونی اجرای اقدامات تأمینی است، ضمناً منظور آن دسته از مجازات‌ها که جنبه اقدامات تأمینی دارد، نمی‌باشد؛ زیرا این موضوع مفروغ عنه است و قاضی می‌تواند در مقابل ارتکاب جرم، مجازات قانونی مناسبی را که در عین حال جنبه پیشگیری و تربیتی داشته باشد اعمال نماید، و ابهامی در این مسئله نیست تا موجب سؤال گردد. بلکه منظور، اعمال تدبیری تأمینی علاوه بر حکم مجازات اصلی است. در این مورد نیز پاسخ‌ها شبیه سؤال قبلی است: آیه‌الله موسوی اردبیلی گفته‌اند: «مجازات خلاف‌های نکرده جایز نیست.» آیه‌الله صادقی تهرانی گفته‌اند: «ارتکاب مکرر جرم و یا عادت به ارتکاب آن، تنها اقدام تأمینی، که جلوگیری از جرم باشد، همان مجازات‌های مقرر شرعیه بر حسب ابعاد جرم می‌باشد، که اگر تعدی به دیگران است اعتدای به مثل، جزای قانونی اوست [قصاص] مگر اینکه بدون جزا اصلاح گردد. حبس و تبعید هرگز جایی در مجازات اسلامی، مگر در موارد خاص، ندارد، و بالاخره مقصود از ضمانت‌های احتیاطی، اجرای قوانین جزایی اسلام است و دیگر هیچ، و روی هم رفته شخص خطرناک بایستی تحت مراقبت همیشگی قرار گیرد که لااقل از جرایم‌اش جلوگیری

فهرست اقدامات تأمینی و تربیتی از نظر فقهی و حکومتی

شود، نه آنکه در زندان و مانند آن عقده ارتکاب جرم بیشتر شود، و یادگیری زیادتری برای ادامه جرم و یا انجام جرم بیشتر در پی داشته باشد». ایشان در عین حال اقدامات تأمینی از نوع حبس و تبعید را تجویز نکرده‌اند ولی اولاً به «مراقبت همیشگی» در این مورد صراحت دارند که از نوع اقدامات تأمینی است، ثانیاً مورد آن را «شخص خطرناک» دانسته‌اند که می‌توان با توجه به نحوه سؤال و پاسخ ایشان چنین برداشت کرد که منظور از «شخص خطرناک» همان تعریفی باشد که در جرم‌شناسی و قانون اقدامات تأمینی مطرح شده، بنابراین مخالف نامبرده در نوع اقدام تأمینی مورد نظر است نه در اصل آن. آیه‌الله شیخ جواد تبریزی به این سؤال چنین پاسخ داده‌اند: «هر چیزی که داخل عنوان ادب بشود، عیبی ندارد، ولی اخذ مال اشکال دارد، والله العالم». طبق فتوای ایشان آن دسته از اقدامات تأمینی و تربیتی که جنبه تأدیب و اصلاح داشته باشد در کنار اجرای مجازات، تجویز، تجویز می‌گردد. تشخیص این تدابیر قاعده‌تاً با استفاده از نظر کارشناسان ذریبط و بر عهده قاضی خواهد بود.

آیه‌الله خامنه‌ای در این مورد پاسخ به خصوصی نداده‌اند ولی از پاسخ کلی ایشان که در بند الف ذکر شد می‌توان جواز چنین تدابیری را به دست آورد.

آیه‌الله صانعی همانند پاسخ قبلی در این مورد گفته‌اند: «این‌گونه اقدامات درباره آنها از مصادیق تعزیر و یا نهی از منکر است که در اختیار حکومت شرعی است و تحققش احتیاج به قانون دارد». آیات عظام منتظری و لنکرانی هم پاسخ مستقلی به این سؤال نداده‌اند و از پاسخ مشروح آنها که قبلاً مطرح کردیم، با رعایت شرایط مذکور در آن پاسخ‌ها، چنین تدابیری مشروع خواهد بود. دکتر گرجی در پاسخ گفته‌اند: «آری تدابیر دیگری هم هر چه مصلحت باشد عیبی ندارد». به طور کلی به نظر می‌رسد با توجه نظریات و آرای ذکر شده در این بند، اعمال اقدام تأمینی مناسب پس از وقوع جرم، جهت پیشگیری از تکرار جرم بعدی با موازین شرعی تطابق داشته و با رعایت شرایط و ضوابطی که ذکر آن گذشت و از طریق مرجع صالح امکان‌پذیر می‌باشد.

مشروعیت «مدت نامعین» در اقدامات تأمینی

منظور از این مفهوم این است که نباید مدت معینی را برای اقدامات تأمینی از قبل مشخص کرد بلکه قاضی باید نوع اقدام تأمینی را تعیین و مدت آن را به زمان اصلاح و تربیت بزهکار و رفع «حالت خطرناک» موکول کند. از طرفی چون در فقه اسلام، به جهت حفظ حقوق و آزادی‌های مردم، مجازات‌ها یا به وسیله شارع قبلاً مشخص شده مانند حدود و قصاص و دیات و یا توسط حاکم شرع تعیین می‌شود مانند تعزیرات، در هنگام صدور حکم، نوع و میزان آن و در صورتی که از نوع حبس یا تبعید باشد، مدت آن هم باید مشخص گردد. به همین جهت مفهوم «مدت نامعین» نیز از سؤال‌هایی است که نیاز به پاسخ شرعی دارد. سؤال چنین است: «آیا اصولاً در مورد اشخاص موضوع سؤالات قبلی و یا کسانی که مرتکب جرم شده‌اند می‌توان حکم زندان و یا تبعید به مدت نامعین صادر کرد و مدت آن را به کیفیت

اصلاح مجرم واگذار کرد؟ و یا این که حتماً مدت و میزان و نوع اقدام تأمینی و مجازات باید در حکم قاضی تصریح شود؛ خصوصاً که در بعضی روایات وارده به مدت یک سال در مورد حبس و زندان اشاره شده است. در پاسخ این سؤال دسته‌ای از فقها به تعیین مدت مجازات تصریح کرده‌اند، از جمله آیه‌الله منتظری در ذیل پاسخ خود تأکید کرده است: «... و خلاصه محدود باشد نه اینکه محصور مطلق مانند زندانی‌های ممنوع الملاقات و ...» و آیه‌الله فاضل لنکرانی گفته است: «البته تعیین مقدار جریمه مالی و همین طور تعیین مقدار زندان و سایر کیفرهای مربوط به عهده حاکم شرع است.» آیه‌الله صانعی در مورد این سؤال چنین پاسخ گفته‌اند «مصلحت قانون‌گذاری تعیین مدت را می‌طلبد، اما به هر حال چون کیفیت تعزیرات، مدت و بقیه خصوصیات آن به ید حکومت اسلامی و قانون است.» و عده‌ای دیگر نیز در این مورد نظر صریحی نداده‌اند. مثلاً آیه‌الله موسوی اردبیلی در مورد «مدت نامعین» گفته است: «به عنوان تعزیر می‌توان حکم صادر کرد و در صورت تغییر عفو نمود» که به نظر می‌رسد منظور ایشان از تغییر همان اصلاح و تربیت و مثلاً ترک اعتیاد و غیره باشد.

آقای دکتر گرجی هم در پاسخ سؤال در این مورد چنین جواب داده‌اند: «آری چنانچه به حال جامعه مضر باشد ممکن است جامعه را به نحوی از آن مصون نگاه داشت.»

به نظر می‌رسد با توجه اینکه اعمال اقدامات تأمینی به مدت نامعین با آزادی‌های اشخاص در تعارض است بنابراین در صورتی که واقعاً نظم و امنیت جامعه با تشخیص مرجع صالح بر آن متوقف باشد، در موارد ضروری می‌توان حکم به اعمال اقدامات تأمینی به مدت معینی صادر کرد و در صورتی که خطر بهم خوردن نظم جامعه برطرف نشده باشد و ضرورت ایجاب کند مجدداً مدت آن را تمدید کرد.

عنوان فقهی اقدام تأمینی و پیشگیری از جرایم

«اصولاً در فقه اسلام برای پیشگیری از وقوع جرم در جامعه و تأمین اجتماع از خطر مجرمین چه راه‌های شرعی وجود دارد، و این اقدامات در صورت وجود، تحت چه عناوین فقهی می‌باشند؟»
در پاسخ به این سؤال:

اولاً: حضرات آیات فاضل لنکرانی، یوسف صانعی، موسوی اردبیلی و صادقی تهرانی به اهمیت «امر به معروف و نهی از منکر» توجه کرده و عنوان فقهی اقدامات تأمینی و تربیتی و پیشگیری از جرایم را همین عنوان فقهی دانسته‌اند. البته آیه‌الله صانعی بین مجرمین بالغ و بزه‌کاران نابالغ یا مختل المشاعر تفاوت قائل شده، اولی را مشمول عنوان «دفع منکر» و دسته دوم را مشمول عنوان «دفع فساد» دانسته‌اند و درمیان فقه‌های مذکور، آیه‌الله فاضل لنکرانی به مسئله جریمه و زندان نیز در اجرای نهی از منکر با رعایت موازین شرعی و از طایفه حاکم شرع نظر داده است.

ثانیاً: اکثر قریب به اتفاق فقها در پاسخ به سؤال، عنوان فقهی تعزیر را مورد توجه قرار داده و اقدامات

تأمینی را نوعی تعزیر دانسته‌اند، و بعضاً به «کیفر» نیز تصریح کرده‌اند، و با توجه با اینکه کیفر در صورتی که شخصی مرتکب جرم باشد اعمال می‌شود، نه قبل از آن، بنابراین اطلاق «کیفر» یا «تعزیر» اگر به عنوان مجازات استعمال شده باشد، برعمل پیش‌گیرنده قبل از ارتکاب جرم، صحیح به نظر نمی‌رسد.

ثالثاً: آیه‌الله شیخ جواد تبریزی در این مورد از اصطلاح «تربیت و ادب» استفاده کرده نه عناوین فوق‌الذکر، و گفته است «فقط تربیت و ادب با اذن اولیا و با اذن حاکم شرع عیبی ندارد و داخل در تربیت و ادب اطفال و جلوگیری از تعدی مجانین می‌شود».

رابعاً: آقای دکتر گرجی گفته است: «به نظر این جانب قانون اقدامات تأمینی از مقررات جزایی نیست، از مقررات حکومتی است که بر مبنای مصالح و مفاسد اجتماعی وضع شده و اگر در زمره مقررات جزایی [آمده] است به علت تشابه است. در این صورت عمدتاً با مقررات اسلامی مغایرتی ندارد، مجازات نیست، پیشگیری است، رابطه‌ای بین آن [اقدامات] و تعزیر وجود ندارد». وی پس از بیان مسائلی در ارتباط با جزئیات اقدامات تأمینی، در مورد عنوان فقهی اقدامات تأمینی در روش‌های پیشگیری از جرایم و اصلاح و تربیت مجرمین گفته است: «اگر مقصود این است که عنوان آن در فقه چیست و دلیل آن کدام است و چه راه‌های صریحی برای آن پیش‌بینی شده، کمتر راه روشنی برای آن پیش‌بینی کرده‌اند، و معمولاً در باب قضا، امر به معروف و ولایات و مانند آن بدان اشاراتی شده، اما مناسب است تحت عنوان حکومت، ولایت یا احکام عمومی عنوان گردد. شارع مقدس این نوع احکام را به حکام با صلاحیت سپرده است، در عین حال می‌توان آن را در ضمن احکام جزایی هم ذکر کرد». (قاضی محمد بن الحسین الفراء ابویعلی، الاحکام السلطانیة، ص ۲۵۹، به نقل از اقدامات تأمینی و تربیتی، رهامی، ص ۱۶۰، س ۱۳۸۱)

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد اقدامات تأمینی و تربیتی، اگرچه تحت عنوان مجازات و کیفر و امثال آن مطرح می‌شود، اما از نظر فقهی نمی‌توان آن را مجازات دانست و اگر تعزیر را منحصرأ به معنی مجازات بدانیم در این صورت اطلاق تعزیر به اقدامات تأمینی و تربیتی بر خلاف ماهیت این اقدامات است. البته این مطلب در مورد اقداماتی است که قبل از وقوع جرم صورت می‌گیرد و یا بعد از وقوع آن و علاوه بر مجازات جرم، اعمال می‌شود، اما اگر پس از وقوع جرم به عنوان بخشی از مجازات باشد مانند مجازات‌های تبعی و تکمیلی و تنمیمی، صدق عنوان تعزیر به اقدامات تأمینی منافاتی با ماهیت آن ندارد. در مورد اینکه اقدامات تأمینی از مقررات جزایی نیست و عنوان مقررات حکومتی دارد، ذکر این نکته لازم است که گرچه برخی از اقدامات تأمینی و تربیتی جنبه اجرایی و اداری دارد، در هر حال حاکم می‌تواند الزاماتی برای پیشگیری از جرایم ایجاد کند، لیکن این امر ضرورت ندارد که حتماً جنبه اداری پیدا کند؛

سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۸۸



همان طوری که اگر به مورد مقررات «تعزیرات حکومتی» که مربوط به کنترل بازار و فروشگاه‌ها و نرخ اجناس و امثال آن است، وصف قضایی داده شود جریان امور صحیح‌تر خواهد بود. و کتاب‌های مستقلی هم در این زمینه نوشته شده است، ر.ک: میرزا محمد حسن آشتیانی، کتاب القضاء؛ در این صورت اقدامات تأمینی و تربیتی، قطعاً یک امر قضایی نبوده و بلکه جنبه اداری و حکومتی خواهد داشت. اما اگر تعریف امر قضایی را توسعه دهیم، مانند آنچه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است (قانون اساسی: جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۶، بند ۵ «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین») در این صورت، اقدامات تأمینی و تربیتی واجد وصف قضایی و اجرای آن از وظایف قوه قضائیه خواهد بود. در نتیجه این نوع اقدامات ماهیتاً یک امر حکومتی غیر کیفری می‌باشد که جنبه «تأدیب و تربیت» در آن بر سایر جنبه‌ها غلبه دارد.

از مباحث عنوان شده به این نتیجه می‌رسیم که اقدامات تأمینی و تربیتی نه تنها در حقوق بلکه در قرآن و سنت (فقه) نیز مورد توجه قرار گرفته و احکام خاصی را به خود اختصاص داده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشدهای
۲. انصاری، مرتضی (شیخ انصاری) المکاسب، مؤسسه اطلاعات تبریز، بی تا.
۳. ابن هاشم، السیره النبویه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴. ایمن، دکتر حافظ، دفاع جامعه در مقابل جرم و مجرم، ترجمه محمد علی اردبیلی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
۵. بولک، بزنا، کبیرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات مجد، ۱۳۷۲.
۶. بیمانی، ضیاءالدین، آثار تعلیق اجرای مجازات در حقوق کیفری ایران، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ش ۱۵ و ۱۶، ۱۳۵۲.
۷. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۳ق.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۹. حومد، عبدالوهاب، الحقوق الجزائیه العامه، چاپ اول، دمشق، الجامعه السوریه، ۱۳۶۹ق.
۱۰. حلّی، جعفر بن حسن (محقق حلّی)، شرایع الاسلام، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳/۱۹۸۳م.
۱۱. خویی، ابوالقاسم، البیان فی التفسیر القرآن، نجف اشرف، مطبعه الادب، ۱۹۶۶.
۱۲. —، سبانی تکمله المنهاج الصالحین، نجف اشرف، مطبعه الادب، بی تا.
۱۳. راوندی، قطب الدین ابی حسین سعید بن هبه الله، فقه القرآن، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۵ق.
۱۴. رهامی، دکتر محسن، اقدامات تأمینی و تربیتی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۱.
۱۵. سیوری حلّی، جمال الدین بن مفید، کنز العرفان فی تفسیر القرآن، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۴۳/۱۳۴۸ق.
۱۶. شامیابی، هوشنگ، بز هکاری اطفال و نوجوانان، چاپ پنجم، تهران، ویستار، ۱۳۷۴. (حقوق جزای عمومی).
۱۷. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۱.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۹۴ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸/۱۹۸۸م.
۲۰. عالیه، سمیر، اصول قانون العقوبات، (القسم العام)، لبنان، المؤسسة الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۴۱۶/۱۹۹۶م.
۲۱. فاضل، محمد، المبادئ العامه فی التشريع الجزایی، دمشق، الداودی، ۱۳۹۶/۱۹۷۶م.
۲۲. فیض کاشانی، ملا محسن، المهجه البيضاء فی تهذیب الاحیاء، بی جا، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۲۳. کاشانی، ملافتح الله، تفسیر منهج الصادقین، چاپ چهارم، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۷.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۲۵. گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، (جلد اول) و ۱۳۶۹ (جلد دوم).
۲۶. محقق اردبیلی، زبده البیان فی الاحکام القرآن، بی جا، بی تا.
۲۷. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، چاپ چهارم، بیروت، دارالمعارف المطبوعات، ۱۴۰۳/۱۹۸۳م.
۲۸. معرفت، محمد هادی، بحثی در تعزیرات، مجله کانون وکلا، ش ۱۴۷ و ۱۴۶، ۱۳۶۸.
۲۹. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت، بی تا.
۳۰. منتظری، حسینعلی، دراسات فی مکاسب المحرمه، چاپ اول، قم، مکتبه آیه الله منتظری، ۱۴۱۷ق.
۳۱. —، دراسات فی ولایه الفقیه، چاپ اول، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
۳۲. موسوی خمینی، روح الله، المکاسب المحرمه، چاپ سوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۸/۱۴۱۰ق.
۳۳. —، تحریر الوسیله، قم، دارالعلم، بی تا.
۳۴. —، حکومت اسلامی، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۸/۱۴۱۰ق.
۳۵. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، چاپ اول، قم، مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۱۳ق.
۳۶. مهرپور، حسین، دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.
۳۷. نجاری، محمد، صحیح، بیروت، دارال احیاء التراث العربی، بی تا.

۳۸. نجفی، محمد بن حسن، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
۳۹. نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، چاپ دوم، تهران، کانون وکلای دادگستری، ۱۳۷۵.
۴۰. وائلی، احمد، *احکام زندان در اسلام*، ترجمه محمد حسین بکایی، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
۴۱. کی‌نیا، سید مهدی، *مبانی جرم‌شناسی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپږه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پر تال جامع علوم انسانی

سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۸۸

